

تأثیر قرآن بر شعر ابن نباته

اثر: دکتر ابوالحسن امین مقدسی

استادیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران

(از ص ۱۹ تا ۳۸)

چکیده:

تأثیر و تأثر فرهنگ‌ها امری واقعی و پذیرفته شده است. تمامی تأثیرها از ناحیه فرهنگ غالب، صورت می‌پذیرد. فرهنگی غالب است که با طبع و فطرت انسان سازگاری بیشتری داشته باشد و از سویی نسبت به زمان انعطاف پذیر و پویا باشد. ادب عربی به معنای اخص که در فرهنگ عربی از جایگاه مهمی برخوردار بوده در راستای این تأثیر و تأثر دارای سیر صعودی و نزولی جدی است. در بین همه عوامل مؤثر، ظهور اسلام تأثیری عمیق در اندیشه و لفظ شعر عربی داشته است. این تأثیر در دوره عباسی بیشتر در عرصه تفکر و اندیشه ظاهر است و در دوره پس از سقوط بغداد بیشتر در عرصه قالب‌های لفظی مورد کاوش قرار گرفته است. با توجه به اینکه ابن نباته در تاریخ ادبیات در زمره شعرای دوره سقوط قرار گرفته است، بررسی تأثیر قرآن در شعر او می‌تواند درهم تنیدگی قرآن و شعر عربی را بازگو نماید.

واژه‌های کلیدی: تأثیر و تأثر، ادب عربی، قرآن، شعر، ابن نباته،

قالب‌های لفظی، تفکر ادبی.

مقدمه:

فرهنگ، بسان رود شناوری است که در عین حرکت و جاری بودن از نمودی ثابت برخوردار است. تغییر و تحول زمان، مجاورت، مشابهت، شرایط محیطی، رفتار اجتماعی، ساختار سیاسی و گرایشهای فکری همه از عواملی هستند که می‌توانند بر فرهنگ یک ملت مؤثر باشند. این اصل پذیرفته شده است که فرهنگها با همه مشخصه‌های ثابت و منحصر بفرد، با توجه به موضوع انسان، از وجوه اشتراکی برخوردارند؛ وجوهی که با مرور زمان بارزتر می‌شوند. بسیاری از این وجوه محصول تأثیر و اثراتی است که از گذشته‌های دیرین در همه جوامع جاری و ساری بوده است. بدون شک مطالعه آثار پدیده مهاجرت و تحقیق پیرامون ارتباط ملتها به تشریح این اصل دامن می‌زند و این امر را تبیین می‌نماید که تمامی تأثیرها در دو عرصه ظهور می‌یابند. عرصه اول فکر و اندیشه و محتوای باطن و عرصه دوم ابعاد ظاهری است.

به یقین ادبیات به معنای اخص که یکی از ارکان فرهنگ هر ملتی است، درگذار تأثیر و تأثر در هر دو عرصه از جایگاه ویژه‌ای، برخوردار است. نظر به اینکه ادبیات، حامل نوعی نگرش و تفکر است، در عرصه محتوا، قابل بررسی است و از آنجا که به قالب‌های گفتاری و شیوه‌های بیانی و تصاویر ظاهری می‌پردازد، تغییرات ظاهری در آن جای کاوش و تحقیق دارد. طبعاً میزان تأثیرپذیری و تأثیرگذاری هر فرهنگ، بخصوص رکن ادبی آن، منوط به پشتوانه و دستمایه‌های آن فرهنگ است و فرهنگ غالب، فرهنگی است که از بار اندیشه، توان روحبخش انسانی، قدرت ملائمت با زمان، و انعطاف‌پذیری متناسب با شرایط و قرابت جدی با فطرت انسانی برخوردار باشد.

فرهنگ جامعه عربی، پیش از ظهور اسلام، متأثر از عواملی همچون محیط جغرافیایی خشک حجاز، زندگی قبیله‌ای، وجود کعبه، وضعیت اقتصادی مبتنی بر دامداری و کشاورزی محدود، تجارت خواص و استیلای سیاسی ایران و روم است. بارزترین تصویر فرهنگی که از جامعه قدیم عربی به جای مانده است، اشعار جاهلی است که یا بر زبان صعالبیک جاری شده است و یا از زبان دیگر شاعران در معلقات سبع جای گرفته است. احساس و اندیشه‌ای که در این مجموعه به چشم می‌خورد

از سختی سنگها و سوزش تابش خورشید و انتقام جویی‌های قبیلگی و نزاعهای بیابانی و عشق‌های کوتاه جامعه صحرايي و به طورکلی از ویژگی‌های زندگی فردی حکایت می‌کند. ظهور اسلام و نزول قرآن، مؤثرترین عاملی است که فرهنگ عربی را تحت تأثیر قرار داده است. این تأثیر عمیق، بنیان‌های فکری و رفتارهای ظاهری و عناصر ادبی را بکلی متحول ساخته است. اگر عوامل محیطی، مهاجرت و ارتباطات به عنوان عوامل مادی یا حداکثر ترکیبی از عوامل مادی و معنوی در محدوده معانی خاصی بر ادبیات مؤثر باشند، وحی و قرآن به عنوان عاملی به تمامی معنوی، پیوسته بر تارک فرهنگ ادب عربی می‌تابد؛ عاملی که مرور زمان آن را کهنه نمی‌سازد و تغییرات آن را به طاقچه عادت نمی‌سپارد. به همین جهت، رود زلال ادب عربی از این سرچشمه نشأت گرفته و در رگ و ریشه درخت تنومند فرهنگ عربی جاری است. این تأثیر چنان عمیق و پرنفوذ است که حتی محققانی که از دید ناسیونالیزم به فرهنگ عربی می‌نگرند، معترفند: قرآن مرجع و محور ادب عربی بوده است و بحق باید اعتراف کرد که تفکیک ادب عربی از ادب اسلامی در تاریخ فرهنگ عربی، نه چندان آسان، بلکه امکان‌پذیری آن بسیار قابل تردید است. باگسترش جامعه اسلامی و ورود اسلام به حوزه ایران که از فرهنگ غنی برخوردار بوده است، فرهنگ اسلامی تحت تأثیر فرهنگ ایران برغناي خود افزود. البته این تأثیر و پذیرش، به گونه‌ای است که چارچوب فرهنگ خود را از کف نداده بلکه از طریق گزینش و امتزاج ترکیبی جدید ارائه داده است. ترکیبی که پیوسته فرم‌های جدیدی عرضه کرده و بدین گونه جاودانگی خود را تضمین نموده است. اگر چه طه حسین به این تأثیر اعتقاد ندارد، بلکه بر این باور است که فرهنگ فارسی بیش از آنکه تأثیرگذار باشد، از فرهنگ عربی تأثیر پذیرفته است. وی فرهنگ عربی را بیشتر وامدار فرهنگ یونانی می‌داند تا فرهنگ ایرانی. مطمئناً هیچ یک از محققان ادب فارسی، منکر تأثیر اسلام بر ادب و فرهنگ ملت ایران نیستند و آنچه که موجب تحیر است نتیجه تحقیق منحصر بفرد طه حسین در میزان تأثیر فرهنگ فارسی و یونانی بر فرهنگ عربی است. قضاوتی که به اعتراف خودش، هیچ یک از محققان به آن اعتقاد ندارند.

به نسبت گسترش ارتباطات جامعه اسلامی، سیر پذیرش اندیشه‌های متناسب با

اصول اسلامی ادامه می‌یابد، دوره‌های شکوفایی ادبیات فرا می‌رسد و نقطهٔ اوج غرور ادب عربی در دورهٔ عباسی شکوفا می‌شود، ولی همچنان که تمدن‌ها به قول توین بی از نقطهٔ اوج به نقطه حسیض می‌رسند، ادب عربی نیز هنگام با خاموشی شعلهٔ حکومت عباسیان رمق‌های خود را با سرعتی دو چندان از کف می‌دهد و با سقوط بغداد بنا به نظر اکثر مورخان دورهٔ انحطاط و یا انحداد و یا انهیار آغاز می‌شود. گرچه قضاوت در مورد دقیق بودن این واژه‌ها چندان سهل و آسان نیست، ولی آنچه که همه بر آن متفقند، سقوط شعر عربی از جایگاه و منزلت پیشین است و حتی از دید آنها پرچمداران شعر عربی در این دوره بسیار طولانی نزد نقادان ادب مقلدانی هستند که دریازی با الفاظ و تکلف‌های ادبی گرفتار آمده‌اند و صفی‌الدین حلی، ابن نباته و صفدی از این قاعده مستثنی نشده‌اند.

ابن نباته:

ابوبکر جمال‌الدین ابن نباته محمد بن شمس‌الدین محمد بن شرف‌الدین محمد الجذامی الفارقی از نسل عبدالرحیم در سال ۶۸۶ در زمان منصور سیف‌الدین قلاوون در محلهٔ منشیه مهرانی در کوچه‌های قنادیل، چشم به جهان گشود. او با فراگیری علوم دینی در بعد ادبی از محیی‌الدین بن عبدالظاهر معروف به کاتب مصری و بهاء‌الدین ابن نحاس بهره برده است. در تاریخ ادب عربی، نام ابن نباته دو بار تکرار شده است، یکبار عبدالرحیم نباته خطیب معروف زمان سیف‌الدوله را معرفی می‌کند و بار دیگر احوال ابن نباته شاعر مصری را بیان می‌کند. گاه تشابه اسمی این دو موجب اشتباه می‌شود، مثل خطایی که بروکلیمان در معرفی زادگاه ابن نباته شاعر، در تاریخ ادبیات خود، مرتکب شده است و سپس در پیوست آن اصلاح می‌کند. او میارفارقین را محل تولد ابن نباته می‌داند، در حالی که میارفارقین زادگاه عبدالرحیم نباته خطیب است. ابن نباته در شعر خود از آیات قرآن و اصطلاحات نحوی و مصطلحات شیعی بهره جسته است و در تبدیل این مصطلحات به توره‌های زیبا به حدی موفق بوده است که او را صاحب رمز نباتی نامیده‌اند. در زمینهٔ نثر، مورخان او را پیرو سبک قاضی فاضل بر شمرده‌اند. رساله مفاخره بین سیف و قلم و مفاخره بین ورد و نرجس و حظیره الانس فی حضره

القدس، قدرت نثرنگاری ابن نباته را به نمایش می‌گذارد. ابن کثیر می‌گوید: "کان حامل لواء الشعر فی زمانه، وله تصانیف رائقه" (طبقات الشافعية الكبرى، ج ۶، ص ۳۱ به نقل از الادب العربی فی العصر المملوکی و العصر العثماني). ابن تغری بردی، او را پیرو سبک قاضی فاضل می‌داند و شعرش را زیبا و نثرش را نثر برتر معرفی می‌کند.

ابن حجة با توصیف او به عنوان نبات بوستان ادب درباره او می‌گوید: انّ الشیخ جمال الدین بن نباته... هو نبات هذا البستان، و فارس هذا الميدان و ان كان متأخر فقد احرز قصبات السبق علی من تقدمه من الفحول فی هذه الحلبه. (مرجع پیشین) شوکانی، او را شاعری متبحر می‌داند که بر همه معاصران و حتی بر شعرای بعد از خود برتری دارد و می‌گوید: الشاعر المشهور المجید المبدع الفائق فی جمیع انواع النظم لاهل عصره و لمن اتی بعدهم بل و لكثیر ممن كان قبله و دیوان شعره كله غرر و هو موجود بایدی الناس و هو اشعر المتأخرین علی الاطلاق فیما اعتقد و لاسیما فی الغزلیات. همان گونه که گذشت، تأثیر قرآن در دوره‌های مختلف ادب عربی بحدی بارز و انکارناپذیر است که کمتر شاعر و ادیب عربی از شعاع قرآن محروم می‌باشد. از این بعد، ابن نباته در میان شعرای دوره سقوط ویژگی خاصی دارد، به طوری که کمتر قصیده‌ای از او می‌توان یافت که آیه‌ای از قرآن یا مفهومی از آیات در میان ابیاتش موج‌نزند. اگر استشهاد قرآنی یکی از خصوصیات این دوره ادبی لحاظ گردد، ابن نباته در به کار بردن این صنعت، گوی سبقت را از رقیبان خود ربوده است.

ابن نباته در اقتباس آیات قرآنی، گاه به بخشی از آیات اکتفا می‌کند و گاه نام سوره را ذکر می‌کند و گاه آیه را به طور کامل در شعر خود بدون تغییر منعکس می‌نماید. در ابیات او اسماعیل ایوبی، از جمله ممدوحانی است که بسیار مورد مدح قرار گرفته است و آیات مختلف نازل در شأن اسماعیل پیامبر(ع) را درباره او بیان می‌کند. عمر موسی پاشا مدح او را نسبت به ابوالفداء خالی از صدق عاطفه می‌داند، در حالی که روح ابیات از این قضاوت حکایت نمی‌کند.

در مجموع، دیوان ابن نباته، از بیش از ۱۶۸ آیه قرآنی اقتباس شده است. پراکندگی آیات گویای آن است که ابن نباته نسبت به کل قرآن آگاهی وافر داشته

است؛ او از آیات کوتاه ناظر بر مفهوم معاد گرفته تا داستان یوسف و آیات بلند سوره بقره بهره گرفته است، به طوری که از بعضی آیات چند بار به بیانهای گوناگون در شعر خود آورده است؛ البته آیات کلی سوره‌های کوتاه در ابیات ابن نباته از کثرت بیشتری برخوردار است.

از مجموعه آیات اقتباس شده می‌توان نتیجه گرفت که بین معانی آیات و معانی ابیات تناسب لحاظ شده است، هر چند ممدوح‌های مورد تأیید او همه دارای مصداق‌های قرآنی نیستند، ولی از بعد تطبیق شعری محض و بدون در نظر گرفتن حدود اخلاق متعهدانه، مفاهیم گویاست. اکنون مجموع آیات مورد اقتباس را یک به یک همراه با ابیات بررسی می‌کنیم.

بسم الله الرحمن الرحيم

و تقدّمت فی کل محفل سودد	تقدیم بسم الله فی الاسماء
مقدّم ذکر ماضیکم و وارثه	فی الوقت بسم الله فی الکتب
فاق الکرام علی تقدیم عصرهم	فکان بسملة والقوم عنوانا
اذا شئت ان اشدو باوصاف ثغره	بدات بسم الله فی النظم اولاً

این نباته از صفت تقدم واژگان بسم الله استفاده کرده و ممدوح خود را همچون کلمه بسم الله می‌داند که بر سایر آیات مقدم و در ابتدای هر کلام ذکر شده است، اما در بیت آخر برای وصف دندانهای ممدوح به بسم الله متوسل می‌شود.

شاعر در مدح پیامبر (ص) سروده‌های فراوان دارد؛ ابیات او در این زمینه به بیش از پانصد بیت می‌رسد. او در یکی از ابیات می‌گوید:

علیک من الملائک کلّ وقت	صلاة فی الجنان لها اداء
-------------------------	-------------------------

این بیت با اقتباس از آیه "انّ الله و ملائکته يصلون علی النبی یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه و سلّموا تسلیماً" (احزاب / ۵۶) سروده شده است که در آن شاعر خبر می‌دهد که ملائک در بهشت پی در پی بر پیامبر (ص) درود می‌فرستند.

ابن نباته با مدح اسماعیل مؤید، او را در صادق الوعد بودن به حضرت اسماعیل تشبیه نموده و ترفیع بیت علو و ملک و شرافت را به او نسبت داده است. همچنان که حضرت اسماعیل همراه با پدرش ستونهای کعبه را بالا برده‌اند.

وارج وعدالمنی لدیه فاسما عیل مازال معدنا للوفاء

لراحة اسماعيل اصدق موعداً
فوفيتني وعد الامانى وانها
لقد صدقتنا فى الزمان وعوده
ابيات فوق برگرفته از آیه زیر است:

و ساحتها الفتحاء امنع مقفلا
سجيته اسماعيل فى صدق موعده
و شيمه اسماعيل ان يصدق الوعد

واذكر فى الكتاب اسماعيل انه كان صادق الوعد وكان رسولاً نبياً

(آیه ۵۴ سوره مریم)

مازال يرفع اسماعيل بيت علي
شادت عزائم اسماعيل فاتصلت
اكرم باسماعيل من شائد
ابيات فوق اقتباس از اين آیه است :
اسماعيل ... (آیه ۱۲۷ سوره بقره)

حتى استوت غايتا نسل و آباء
قواعد البيت ذى العلياء والرتب
اركان بيت الملك عن خبره
واذ يرفع ابراهيم القواعد من البيت و

يد بيضاء وصفى است که کمتر شاعری از آن بهره نگرفته است. در ابیات ابن نباته، يد بيضاء بیانگر قدرت و بخشش و سیادت است.

داع لوجود يد بيضاء ما برحت
و كم من يد بيضاء فى كل سوؤد
آیه مورد اقتباس: و نزع يده فاذا هي بيضاء للناظرين (آیه ۱۰۸ سوره اعراف)

تقضى على كل صفراء و بيضاء
بدت لابن موسى فهى ارث و مكسب
شاعر، نور چراغ ممدوح خود را، خدا داد می داند که حساد هرگز قادر به خاموش کردن آن نیستند.

و يوقد الله نوراً من سعاده
آیه مورد اقتباس: يريدون ان يطفئوا نورالله بافواهم والله متم نوره... (آیه ۸ سوره صف)

فكيف يطمع حساد باطفاء

ابن نباته زیبایی ابن فضل الله را چندان متفاوت با زیبایی یوسف نمی داند و با توصیفی زیبا به داستان پیراهن یوسف اشاره می کند و می گوید: خون دل شاعر بر رخسار محبوب نشسته است و البته این خون، ساختگی و دروغ نیست.

ما حسن يوسف عنك بالنائى ولا
آیه مورد اقتباس: و جاءوا على قميصه بدم كذب... (آیه ۱۸ سوره يوسف)

دم مهجتي بقميص خدك كاذبا
ابن نباته، بار دیگر از داستان یوسف با اشاره به مصر یاد می کند و افسوس

می خورد و می گوید: چگونه و در کجا مرتع و ملعی برای من پیدا می شود؟
 آها لمصر و این مصر و کیف لی بدیار مصر مراتعا و ملاءبا
 آیه مورد اقتباس: ارسله معنا غداً یرتع و یلعب و انا له لحافظون. (آیه ۱۲ سوره یوسف)
 سوره مسد به چهار صورت در شعر این نباته آمده است. او یک بار تلاش رقیبان
 ممدوح را نفرین می کند، بار دیگر، سوزش حزن خود را چون حرارت مستعار در
 ابالهب می داند و جان خود را حمالة الحطب و حمائل غم و اندوه بیان می کند.

یا کاتباً تب مسعی من یناضله فراح یحمل من اقلامه حطبا
 کان ایدیهمو تبت اسی فغدت من عی اقلامها حمالة الحطب
 یا ساکنی مصر تبّت للفراق ید قد صیرت بعدکم حزنی ابالهب
 و مهجتی فی ضلوعی من جوی وضنا حمالة الهم او حمالة الحطب
 یجر خیط الدجی والفجر انفسنا للترب مالا یجر الحبل من مسد
 آیه مورد اقتباس: تبّت یدا ابی لهب و تب. ما اغنی عنه ماله و ما کسب سیصلی
 ناراً ذات لهب و امرأته حمالة الحطب فی جیدها حبل من مسد. (سوره مسد)

در جای دیگر آیه سوره مسد به همراه آیه اول سوره نصر اقتباس شده است.

فقلت تب ید خذلانا و جاء نصرالله والفتح
 آیات مورد اقتباس: تب یدا ابی لهب و تب (سوره مسد / ۱) و اذا جاء نصرالله
 والفتح (سوره نصر / ۱)

ابن نباته در یکی از سروده های خویش، به سبک معری در باب زهد و دوری از
 دنیا از ظاهر آیه سوره بلد بهره گرفته است .

و ان وجدت عشوم القوم فی بلد حللاً فقل انت فی حل من البلد
 آیه مورد اقتباس: لا اقسام بهذا البلد ... و انت حل بهذا البلد. (سوره بلد / ۴)
 همان گونه که در ابتدا ذکر شد، بخش قابل توجهی از دیوان ابن نباته به مدح
 ملک مؤید پرداخته شده است و به مؤیدات معروف است. او در یکی از مدائح
 خود کشتی های آرزو را، همچون کشتی نوح می داند که در دامنه کوه جودی دستان
 ممدوح، پهلو می گیرد.

تسری سفین الامانی نحو منزله فتستوی من ایادیه علی الجودی
 سرت لمغناک من مآربنا نجائب فاستوت علی الجودی

آیه مورد اقتباس: و قيل يا ارض ابلعي ماءك اقلعي و غيظ الماء وقضى الامر و استوت على الجودي (آیه ۴۴ سوره هود)

شاعر در رثای قاضی القضاة تقی الدین سبکی، او را مؤمنی می داند که با ایمان و عشق به وطن، عمر خویش را سپری کرده است.

ایمان حب الی الاوطان حرگه حتی قضی نحبه یا طول منتحب
آیه مورد اقتباس: من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیهم فمنهم من قضی نحبه و منهم من ينتظر... (آیه ۲۳ سوره احزاب)

ابن نباته با استفاده از آیاتی که در شأن حضرت موسی است، عزالدین موسی و ابن التاج اسحاق را مدح می کند.

فقلت لهم موسی الزمان و هذه عصاه التي للملك فيها مآرب
وانك يا موسی لذو القلم الذي تهش به اهل الحیا و تدافع
عصاً لبلاد الشام فيها مآرب و من يدك البيضاء فيها صنائع
آیه مورد اقتباس: قال هی عصای اتوكا علیها و اهش به علی غنمی و لی فیها مآرب اخری (آیه ۱۸ سوره طه)

ابن نباته، در یکی از اشعار خود برای ناظر امور مالی چنین می نگارد:
فانك من اسرة تصطفی و ترزق من حيث لا تحتسب
آیه مورد اقتباس: و من یتق الله يجعل له مخرجاً و یرزقه من حيث لا یحتسب (آیه ۳ سوره طلاق)

و در بیتی دیگر، در مزاحی که با یکی از یارانش می نماید، به رزاقیت خداوند اشاره می کند و در یکی از مقطعات خود از مصریاد می کند که همچون بهشت بدون حساب به او رزق داده می شود.

لفلان فی الدیوان صورة حاضر و كانه من جملة الغیاب
فما مصر الا مثل جنة ساكن ندى رزقه یاتی بغير حساب
آیه مورد اقتباس: ان الله یرزق من یشاء بغير حساب (آیه ۳۷ سوره آل عمران).

شاعر در یکی از نامه هایش به فتح الدین، ورود او را نشانه پیروزی و رهایی از خذلان خود می داند.

و كنت مخذولا فقال الهنا نصر من الله و فتح قریب

آیه مورد اقتباس: و آخری تحبونها نصر من الله و فتح قريب. (آیه ۱۳ سوره صف)
 ضر ایوب، از جمله مواردی است که در دیوان ابن نباته به دو صورت زیر بیان شده است:

یا صاحب الحسن البدیع ترکنتی یعقوب جانس ضرّه ایوبا
 حاشاکمو ان یبیت جارکمو یشکوا الی الناس ضرّ ایوب
 آیه مورد اقتباس: وایوب اذ نادى ربّه انّی مسنی الضّرّ وانت ارحم الراحمین.
 (آیه ۸۳ سوره انبیاء)

او در یکی از مقطعاتش با دعا برای بقاء ممدوح خود می‌گوید: مومن آرزو می‌کند که خاک راه ممدوح او باشد. آیه‌ای که در این بیت اقتباس شده است در قرآن معنای متضاد دارد آیه یا لیتنی کنت تراباً^۱ زبان حال کافری است که در قیامت مغبون و خسارت زده است.

لمواطئ طرفه کم مؤمن قائل یا لیتنی کنت ترابا
 آیه مورد اقتباس: و یقول الکافر یا لیتنی کنت ترابا (آیه ۴۰ سوره نبأ)
 ابن نباته در پاسخ ملامتگری که او را از عشق ورزیدن به دوشیزگان باز می‌دارد از آیه "فذرهم یخوضوا و یلعبوا" کمک می‌گیرد و می‌گوید:

لحانی فاجریت المدامع انهرا فقلت لهم یخوضوا و یلعب
 آیه مورد اقتباس: فذرهم یخوضوا و یلعبوا حتی یلاقوا یومهم الذی یوعدون
 (آیه ۴۲ سوره معارج)

ابن نباته در مدح ممدوح خود او را از تبار تقوی و علم و شرافت می‌داند در حالی که همه مردم در نطفه‌های امشاج شناورند؛ او برخلاف مفهوم آیه که همه مردم را مخلوق از نطفه امشاج می‌داند، بین ممدوح و دیگر مردم فرق می‌گذارد.

من اناس من التقی و المعالی و هم بین نطفة امشاج
 آیه مورد اقتباس: انا خلقنا الانسان من نطفة امشاج نبتلیه (آیه ۱۲ سوره انسان)
 انسان عینی ساهر بک سانح یا ایها الانسان انک کادح
 ابن نباته در مدح ابن شهاب دو لفظ انسان را به کار می‌برد که یکی به معنی مردمک چشم و دومی آدمی است که مخاطب آیه "یا ایها الانسان انک کادح" است. او مردمک چشم خود را وصف می‌کند که برای ابن شهاب خون می‌گرید و اشکش

پیوسته جاری است؛ سپس با استفاده از آیه قرآن، چشم را تلاشگری دائمی قلمداد می‌کند که مردمکش را به ادامه اشک فرا می‌خواند.

البته ذکر این نکته ضروری است که انسان در مصرع دوم این بیت نیز به معنا و مراد آیه قرآن نیست.

آیه مورد اقتباس: یا ایها الانسان ائتک کادح الی ربک کدحاً فملاقیه (آیه ۶ سوره اشفاق) شاعر در مدح علاءالدین بن اثیر، خدای را تسبیح می‌کند که نور درخشان او را در میان مردم تابانده است.

جل من صاغ نور بشرک فی الخلا
ق و سبجان فالق الاصباح
آیه مورد اقتباس: فالق الاصباح و جعل اللیل سکنا... (آیه ۹۵ سوره انعام)
ابن نباته، جلال ابن شهاب را موجب تزیین و رفعت و علو خانه‌اش می‌داند، گویی شوکت او همچون چراغهای آسمانی اند.

ویزین رفعة بیته بجلاله
فکانما هی فی السماء مصباح
آیه مورد اقتباس: ولقد زینا السماء الدنیا بمصابیح... (آیه ۵ سوره ملک)
شاعر مصری، به روش معری درباره زهد و سختی و دوری از دنیا، خلقت انسان را ممزوج با رنج می‌داند و می‌گوید: «رنج، مردمک چشم را پر کرده است».

انسان عینی اغشته مکابده
وانما خلق الانسان فی کبد
آیه مورد اقتباس: لقد خلقنا الانسان فی کبد
(آیه ۴ سوره بلد)
ابن نباته در مدح ملک مؤید، می‌گوید: ای کاش قوم من می‌دانستند که من به چندین برابر مطلوب خویش از احسان تو دست یافتم. در یکی دیگر از مقطعات لطف خداوند را نسبت به خود و خانواده‌اش بیان می‌کند و از آیه "یالیت قومی یعلمون" بهره می‌جوید.

فیا لیت قومی یعلمون باننی
تعجلت من نعماک اضعاف مقصدی
الله سخر لی و عائلتی
من حفّ بی الاکرام والکرما
حستی تلوت قبل رؤیتهم
یا لیت قومی یعلمون بما
آیه مورد اقتباس: قال یا لیت قومی یعملون بما غفرلی ربی... (آیه ۲۶ سوره یس)
ابن نباته، در آخرین بیت یکی از قصایدش در مدح ملک منصور، از او می‌خواهد که همچون سلیمان حکومت کند و از اسبان آماده بازدید نماید.

عش کسلیمان علی ملکه
تعرض هدی الصافنات الجیاد
آیه مورد اقتباس: اذ عرض علیه بالعشی الصافنات الجیاد (آیه ۳۱ سوره ص)
"اصحاب اخدود، در قرآن به کافرانی اطلاق می شود که گودالهای آتش را فراهم
می کردند و مؤمنین را در آن عذاب می دادند" (مجمع البیان طبرسی، ج ۵، ص ۴۶۵، قم،
منشورات مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی). در شعر ابن نباته اخدود جمع خد یعنی گونه
است و اصحاب اخدود، عاشقانی هستند که اشک از گونه های آنها جاری است. در
اینجا تشابه ظاهری است و معنی خلاف مراد قرآن است.

لاتسل عن مسیل دمی بخدی
قتل الدمع صاحب الاخدود
آیه مورد اقتباس: قتل اصحاب الاخدود (آیه ۴ سوره بروج)
ابن نباته، رشته های فکر خویش را گسسته می بیند، اما به خاطر مقام محمود
شهاب محمود، بعثتی در آن ایجاد شده است.

کن موتی بنات فکری و لکن
بعثت من مقامک المحمود
آیه مورد اقتباس: و من الیل فتهجد به نافله لک عسی ان یبعث ربک مقاما
محمودا (آیه ۷۹ سوره اسراء)

شاعر، برای دیوان ابن سناء الملک دو بیتی را می نگارد که حاکی از دید نقادی
اوست، به گونه ای که در این قسمت به مداحی محض نپرداخته است؛ بدین جهت
بعضی از شعرا را شقی و بعضی را سعید معرفی کرده است.

اری الشعراء مضوا سوقه
ولا بن سنا الملک ملک عتید
وقد طوبقوا باسمه فی القریض
فمنهم شقی و منهم سعید
آیه مورد اقتباس بیت اول: ما یلفظ من قول الالذیه رقیب عتید (آیه ۱۸ سوره ق)
آیه مورد اقتباس بیت دوم: یوم یأت لاتکلم نفس الا باذنه فمنهم شقی و سعید (آیه ۵۵ سوره هود)
بعثت لکم یا سادة انا عبدهم
قلیلاً من المنّ الذی طاب ماخذها
فلاتقرنوه بالخلیلئ اکلأ
فحاشاکم ان تقرنوا المن بالاذی
وان وقت منأ من حلاوة ریقهُ
اتانا رقیب یتبع المن بالاذی
منأ بعثت الیک اآ انه
مُن مَن بالتقیل یتبعه اذی
آیه مورد اقتباس: "الذین ینفقون اموالهم فی سبیل الله ثم لایتبعون ما انفقوا منأ
ولا اذی لهم اجرهم عند ربهم ..." (آیه ۲۶۱ سوره بقره)

آیه جاری شده بر زبان مریم به زبان حال، پلک خمار محبوه‌ای آهو صفت می‌شود که از ترس تیر نگاه عاشق، مرگ را حسرت می‌برد.

لما رای الظبی طرف حبی شکا الی الحسن واستعاذا
وقال جفن له سقیم یا لیتنی مت قبل هذا
آیه مورد اقتباس: "قالت یا لیتنی مت قبل هذا وکنت نسیاً منسیاً"

(آیه ۳۳ سوره مریم)

ابن نباته در یکی از مؤیدات با تصویر معشوقه‌های مجازی چهره‌های آنان را "ناضره" شاداب، توصیف نموده است و می‌گوید: چشم به سوی آنها نظاره‌گر است. این تعبیری است که شاعر از آیه «وجوه یومئذ ناضره الی ربها ناظره» برداشت کرده است. طبرسی می‌گوید: این وجوه، چهره‌های مؤمنین است که مستحق ثوابند و به سوی پاداش پروردگار نظاره می‌کنند. (طبرسی، حسن بن فضل، مجمع البیان، ج ۵، ص ۳۹۸، منشورات مکتبه آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی، قم).

تصاویر قرآن و ابن نباته از نظر ظاهر متشابه‌اند، ولی "یکی در اوج معنویت آسمانی است و دیگری در گستره زمینی".

هن الوجوه الناضره عینی الیها ناظره
آیه مورد اقتباس: «وجوه یومئذ ناضرة الی ربها ناظره» (آیه ۲۳ سوره قیامة)
رقیب الوشاة جفونها فاذا هم بالساهره

چشمان سخن چین در نظاره کردن به معشوقها بیدار است، گویی آنان قیامت برپا خواهند کرد. وجه تشابه، ولوله و اضطرابی است که رخ خواهد داد.

آیه مورد اقتباس: «فانما هی زجرة واحدة، فاذا هم بالساهره» (آیه ۱۴ سوره نازعات)
اما و ملیح العصر انک بالبکی وبالسهد یا انسان عینی لفی خسر
آیه مورد اقتباس: «انّ الانسان لفی خسر» (آیه ۲ سوره عصر)

انسان در شعر به معنای مردمک و در آیه به معنی آدمی است.

یتیم ابسامک مایقهر فسائل دمعی لاینهر
آیه مورد اقتباس: «فاما الیتیم فلا تقهر و اما السائل فلا تنهر» (آیه ۹ سوره الضحی)

و انسان عینی الی کم کذا بحین من الدهر لایذکر
آیه مورد اقتباس: «هل اتی علی الانسان حین من الدهر لم یکن شیئاً مذکوراً» (آیه ۱ سوره دهر)

در اینجا نیز همچون شعر پیشین، انسان به معنی مردمک چشم و در آیه به معنای آدمی است.

همین آیه را در شعری که در مدح علاءالدین سروده اقتباس نموده است.
 جاهاً و مالاً كما عودت من قدم انسان من لم یکن من قبل مذکورا
 اذا رفعت قدری بمدحک لیلة تیقن قصدی انها لیلة القدر
 وقضيتها والنیرات تمدنی سلاما و تسلیما الی مطلع الفجر
 آیه مورد اقتباس: «أنا انزلناه فی لیلة القدر ... سلام هی حتی مطلق الفجر»
 (آیه ۱ و ۵ سورة قدر)

قدر در مصرع اول به معنای ارزش و اعتبار است و در مصراع دوم به همان معنای قرآنی است. شاعر خوشبختی خود را در این شب می بیند و آن را از برکات شب قدر می پندارد.

وفارقتہ بعد التوطن ساریا الی جنة المأوی فسبحان من اسری
 آیه مورد اقتباس: «سبحان الذی اسری بعبده لیلاً من المسجد الحرام الی
 المسجد الاقصی» (آیه ۱ سورة اسراء)

فیا لها فی الصفات ناراً وقودها الناس والحجارة
 آیه مورد اقتباس: «فاتقوا النار الی وقودها الناس والحجارة» (آیه ۲۴ سورة بقره)
 سبحان من دبر احوالنا و سخر الشمس لنا و القمر
 آیه مورد اقتباس: «سخر لکم الشمس والقمر دائبین» (آیه ۳۳ سورة ابراهیم)
 تهن صوما سعیداً فی رفعة و سرور
 ولی سماء لهاء فهل ترى من فطور
 آیه مورد اقتباس: «فارجع البصر هل ترى من فطور» (آیه ۳ سورة ملک)

یا سیدی لابرحت ذا نعم کل ثنی عن وصفها قاصر
 من لم تکن فی الزمان ملجاء فما له قوة ولا ناصر
 آیه مورد اقتباس: «یوم تبلی السرائر، فما له من قوة ولا ناصر» (آیه ۱۰ سورة طارق)
 مخاطب آیه، کسی است که روز قیامت مشمول عذاب است و او را توان آن نیست که عذاب را از خود دور کند. مصداق نظر شاعر، کسی است که در دربار ممدوح جایگاهی نداشته باشد و ممدوح پشتیبان او نباشد. وجه شبه این دو

مصدق، بدبختی و ناتوان بودن است.

ولقد ادرت على المسامع قهوة
 في الحب كان مزاجها كافورا
 آیه مورد اقتباس: «ان الابرار يشربون من كاس كان مزاجها كافورا» (آیه ۵ سورة انسان)
 افدى التى فطرت قلبى لواحظها
 موافقا لمعانى حسنها النظر
 يا جفنها وكرى عيني فطرنى
 من كان منكم مريضا او على سفر
 آیه مورد اقتباس: من كان مريضا او على سفر فعدة من ايام اخر... (آیه ۱۸۴ سورة بقره)
 خذو حذرکم من خارجى عذاره
 فقد جاء زحفه فى كتيبتيه الخضراء
 آیه مورد اقتباس: «يا ايها الذين امنوا خذوا حذرکم فانفروا ثباتاً وانفروا جميعاً»
 (آیه ۷۱ سورة نساء)

حيّت حمى حلب انفاً غادية
 مشاءة بنميم الروض غماز
 آیه مورد اقتباس: «ولا تطع كل حلاف مهين، همّاز مشاء بنميم» (آیه ۱۱ سورة قلم)
 وسواس حلى لاكوسواس
 سيان خناسه و خناسى
 آیه مورد اقتباس: «من شر الوسواس الخناس» (آیه ۲ سورة ناس)
 وذكر و أجر فى السيادة والتقى
 يقولون قد اوتيت سؤلک يا موسى
 آیه مورد اقتباس: «قال قد اوتيت سؤلک يا موسى» (آیه ۳۶ سورة طه)
 مُت فما انت حاکم ابد الدهر
 ر على الناس فاقض ما انت قاض
 لک يا اميرالحسن حکم فاقض بى
 ما انت فى اهل المحبة قاض
 فاقض لى ما انت قاض
 لست ممن يتسلى
 آیه مورد اقتباس: «قالوا لن نؤثرک على ما جاءنا من البينات والذى فطرنا فاقض ما
 انت قاض انما تقضى هذه الحياة الدنيا» (آیه ۷۲ سورة طه)
 اعيد بالكهف الحاظاً مناقضةً
 تخالهن رقوداً وهى ايقاظ

آیه مورد اقتباس: «و تحسبهم ايقاظاً و هم رقود و نقلبهم ذات اليمين...»
 (آیه ۱۸ سورة كهف)
 شاعر، محبوبه ها را به اصحاب كهف تشبيه کرده است و از نگاه تيز آنان به غار
 پناه مى برد. البته آيه و شعر دو حالت متضاد را تصوير مى کنند. در آيه مى فرمايد:
 مى پندارى که اصحاب كهف بيدارند، در حالى که خوابند. شاعر مى گويد:

می‌پنداری که محبوبه‌ها خوابند، در حالی که بیدارند. صاحب‌المیزان می‌گوید: در کلام قرآن اشاره به این است که در حال خواب چشمهایشان باز است. (علامه طباطبایی،

محمد حسین، ترجمه‌المیزان، ج ۱۳، ص ۴۲۹، مرکز نشر فرهنگی رجاء، سال ۱۳۶۳)

فالأرأس مشتعل بشیب ابيض والقلب مشتعل بشیب اسفیع

آیه مورد اقتباس: «قال رب انی وهن العظم منی واشتعل الرأس شیباً» (آیه ۴ سوره مریم)

مذال الغنی لو حاولت ید سارق خزائنه ما كان فی الشرع یقطع

اصبح لا حرز لامواله فلو عدا السارق لم یقطع

آیه مورد اقتباس: «السارق والسارقه فاقطعوا ایدیهما جزاء بما کسبا»

(آیه ۳۸ سوره مائده)

شاعر با توجه به مفهوم آیه، مضامینی را در شعر به کار برده است که فضای سرقت با همه ویژگیهای آن تغییر کرده است و در این فضا دست دزد قطع نمی‌شود. بخشندگی، کثرت، ثروت ممدوح به حدی است که دستبرد دزد مجازاتی در بر نخواهد داشت.

بالنازعات و مهجتي عوذتها و حجبتها بالمرسلات وادمعی

ما و الجاریات بصحن خدّ بکت و الموریات ورت ضلوعا

حلفت لها بالعادیات دموعی وبالموریات النار و هی ضلوعی

ما مثل قلبی سالیاً عن مثله خدّ قرات علیه سوره نملة

اشعار به ترتیب به سوره‌های نازعات و مرسلات، موریات، عادیات و نمل

اشاره دارد.

تهن بالمنصب المیمون طائره و اقبل لدستک یا موسی و لاتخف

آیه مورد اقتباس: «یا موسی اقبل و لاتخف انک من الامین» (آیه ۳۱ سوره قصص)

كنت الاحق بان تهنی لبسها فملابس التقوی احق بها التقی

آیه مورد اقتباس: «و لباس التقوی ذلک خیر» (آیه ۲۶ سوره اعراف)

یا طرق الشکر علیه قسماً لتركبن طبقاً عن طبق

یا جود مهدیا اذا قلنا انتهى رکتب فیها طبقاً عن طبق

آیه مورد اقتباس: «والقمر اذا اتسق لتركبن طبقاً عن طبق» (آیه ۱۹ سوره انشاق)

الی حاجبها صار قلبی صبابه و قلبی منها قاب قوسین او ادنی

و حاز سهم المعالی حین کان له من قاب قوسین تنویه و تنویل
اجل نظراً فی حاجبیه و لحظه تری السحر منه قاب قوسین او ادنی
لقد اخذت فی ملکها خیر ماخذ بسهمی ثناء او دعاء منفذ
تری الفوز منه قاب قوسین او ادنی

آیه مورد اقتباس: ثم دنا فتدلی فکان قاب قوسین او ادنی (آیه ۸ سوره نجم)
آیه در رابطه با معراج پیامبر (ص) است و بیت دوم نیز با مدح پیامبر (ص) به این
حادثه اشاره می‌کند، ولی مضامین در ابیات دیگر به معنای مجازی استعمال شده
است.

یالیت ارض العاذلین تنزلت او لیتها لا اخرجت ائقالها
آیه مورد اقتباس: اذا زلزلت الارض زلزالها و اخرجت الارض ائقالها
(آیه ۱ و ۲ سوره الزله)
مرحوم طبرسی برای ائقال، دو معنی ذکر می‌کند؛ معنی اول، اموات است و در
معنی دوم ائقال به معنی کنوز و گنجهای زمین است. وی معنی اخیر را از ابن عباس
و مجاهد و جبایی نقل کرده است. (طبرسی، حسن بن فضل، مجمع البیان، منشورات آیت الله
العظمی مرعشی نجفی، قم، جلد ۵، ص ۵۲۶) ائقال در نزد شاعر ملامت سرزنش کنندگان
است. با توجه به زشتی ملامت می‌توان بخشی از معنای اول طبرسی را مشابه تعبیر
شاعر لحاظ کرد. زیرا اموات دو دسته‌اند، دسته‌ای که نجات یافتگان‌اند و نیکی‌بخت
و شاد و عده‌ای دوزخیان‌اند و سرانجام آنها در عذاب.

هذا علی ان لی عینا مسهدة للحب مخلوقه الانسان من عجل
يقول تنقیل مرآه و سرعته سبحان من خلق الانسان من عجل
انسان عینی بتعجیل السهاد بلی عمری لقد خلق الانسان من عجل
آیه مورد اقتباس: «خلق الانسان من عجل ساوریکم ایتی فلا تستعجلون»
(آیه ۳۷ سوره انبیاء)

و ذوالجبلة من اصفی جواهرها والناس من حماء فیها و صلصال
آیه مورد اقتباس: «ولقد خلقنا الانسان من صلصال من حماء مسنون» (آیه ۲۶ سوره حجر)
و کلته فی کلّ ما ارتجی و حسبی الله و نعم الوکیل

الله اعطانی وکیلا رضی فحسبى الله و نعم الوکیل
 آیه مورد اقتباس: «قل حسبى الله عليه يتوكل المتوكلون» (آیه ۳۸ سوره زمر)
 قل يا محمد تفصح الاكوان عن حمد كأن مزاجه تسنيم
 و ادارت يمناك لى كاس درج كان فيها المزاج من تسنيم
 تسنمى سمعى ثم اجعلنى مزاج ذا كرهه بتسنيم
 آیه مورد اقتباس: «و مزاجه من تسنيم عينا يشرب بها المقربون» (آیه ۲۷ سوره مطففين)
 انت الغياث اذا الصحائف نشرت وبدا جنا الجنات والزقوم
 آیه مورد اقتباس: «واذا الصحف نشرت» (آیه ۱۰ سوره تكوير)
 و ثابت الود لديغ الحشا ياتى الى الله بقلب سليم

آیه مورد اقتباس: «يوم لا ينفع مال ولا بنون الا من اتى الله بقلب سليم» (آیه ۸۹ سوره شعراء)
 و آلت معانينا الى مسك ذكره فكانت لذكر الاكرمين ختاماً
 يابن الاولى تخلق مداحهم من مسك ذكراهم بمختوم
 آیه مورد اقتباس: «ختامه مسك و فى ذلك فليتنافسون المتنافسون» (آیه ۲۶ سوره مطففين)
 بحوله نرفع اقداركم ذلك تقدير العزيز العليم
 آیه مورد اقتباس: «والشمس والقمر حسابان، ذلك تقدير العزيز العليم» (آیه ۹۶ سوره انعام)
 قالت تواقيعه اوقات جلسته سبحان من علم الانسان بالقلم
 يا ظاهر القول والافعال علمه بالخير من علم الانسان بالقلم
 آیه مورد اقتباس: «اقرا و ريك الاكرم الذى علم بالقلم» (آیه ۴ سوره علق)
 ياسين من حول رجائى فقل سبحان من يحيى العظام الرميم
 آیه مورد اقتباس: و ضرب لنا مثلاً و نسى خلقه قال من يحيى العظام و هى رميم
 (آیه ۷۸ سوره يس)

و يقول فيض فعاله و مقاله مرج النهى بحرين يلتقيان
 آیه مورد اقتباس: مرج البحرين يلتقيان (آیه ۱۹ سوره الرحمن)
 و رادف حسن خلق حسن خلق فلم يقنع باحدى الحسينين
 آیه مورد اقتباس: «قل هل تربصون بنا الا احدى الحسينين» (آیه ۵۲ سوره توبه)
 و حمى الملك حين جرّد فيه همة تجعل الجبال كعهن

- آية مورد اقتباس: «و تكون الجبال كالعهن المنفوش» (آية ٥ سورة القارعة)
يا شائد البيت التنظيم الذي على التقى اسس بنيانه
آية مورد اقتباس: «لمسجد أسس على التقوى من اول يوم احق ان تقوم فيه»
(آية ١٠٨ سورة توبه)
تلقف ذاك النضوج جمع سلاحه كما فى اليد البيضاء للقف ثعبان
آية مورد اقتباس: «و الق ما فى يمينك تلقف ماصنعوا» (آية ٦٩ سورة طه)
فاحسن بهم فى دياجى السطور قياما و بالنجم هم يهتدون
آية مورد اقتباس: «و علامات و بالنجم هم يهتدون» (آية ١٦ سورة نحل)
يا عاليا للنجم لايهوى به افق اذا ما النجم من افق هوى
آية مورد اقتباس: «و النجم اذا هوى» (آية ١ سورة نجم)
ذو جمال على بثينة يزهى يا شكاة الهوى فصبراً، جميلاً
آية مورد اقتباس: «قال بل سولت لكم انفكسم امراً فصبر جميل» (آية ١٨ سورة يوسف)
فاذا ارامه العداة بكيد اخذتها الايام اخذاً و بيلا
آية مورد اقتباس: «فعصى فرعون الرسول فاخذناه اخذاً و بيلاً» (آية ١٦ سورة مزمل)
سالت قلبى عن ذوى العشق و عن ما اوتيته من فنون الحسن مى
فقال لى انى وجدت امرأة تملكهم و اوتيت من كل شى
آية مورد اقتباس: «انى وجدت امرأة تمكلهم و اوتيت من كل شى و لها عرش
عظيم» (آية ٢٣ سورة نمل)
آه ياويلتى و ياليت انى كنت لم اتخذ فلانا خليلاً
آية مورد اقتباس:
ياويلتى ليتنى لم اتخذ فلانا خليلاً (آية ٢٨ سورة فرقان)
فانك كاذبة خاطئة فقدتک ناصية للوشاة
آية مورد اقتباس: «كلأ لئن لم ينته لنسفعا بالناصيه ناصية كاذبة خاطئة»
(آية ١٦ سورة علق)
تظل على العسر اقلامه فتاخذه اخذة رابية
آية مورد اقتباس: «فعصوا رسول ربهم فاخذهم اخذة رابية» (آية ١٠ سورة الحاقة)

نتیجه:

از مجموع اشعار ابن نباته چنین حاصل می‌گردد که وی به شدت متأثر از قرآن است و آیات و الفاظ و کلمات قرآنی در اشعار او بکار رفته است. در مجموع ۱۶۸ آیه قرآن به کار گرفته شده که سهم آیات مکی بیش از آیات مدینه است. البته تقابل پای اشعار مجنون او با استشهادات قرآنی، از عدم اخلاق عملی وی حکایت می‌کند. بدین ترتیب با اشعار استناد شده این نکته اثبات می‌گردد که ابن نباته از زمره آن دسته شعرائی محسوب می‌گردد که شرایط خاص دوره سقوط در شعر او جاری است.

منابع و مأخذ:

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- عبدالباقی، محمد فؤاد، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، قاهره، دارالکتب المصریه، ۱۳۶۴.
- ۳- شیخ جمال‌الدین بن نباته المصری الفاضل، دیوان ابن نباته المصری، داراحیاء التراث العربی، بیروت - لبنان، بی‌تا.
- ۴- محمدحسین، علامه طباطبایی، تفسیر المیزان، مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۶۳.
- ۵- حسن بن فضل، طبرسی، مجمع‌البیان، منشورات مکتبه آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی، قم.
- ۶- پاشا، عمر موسی، الادب العربی فی العصر المملوکی والعصر العثماني، مطبعة الانشاء، دمشق - سوریه، ۱۴۰۳ ه.ق.
- ۷- فروخ، عمر، تاریخ الادب العربی، انتشارات دارالعلم للملایین، بیروت - لبنان.
- ۸- کارل بروکلیمان، تاریخ الادب العربی، ترجمه عربی، عبدالحلم نجار، دارالکتب الاسلامی، قم، ایران.
- ۹- بلاشر، رژی، تاریخ ادبیات عرب، ترجمه دکتر آذرتاش آذرنوش، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۳.
- ۱۰- عمرالزمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقاول فی وجوه التأویل، نشر ادب حوزه، قم، بی‌تا.
- ۱۱- جاحظ، ابی عثمان عمرو بن بحر، البیان و التبیین، دارالکتب العلمیه، بیروت - لبنان، بی‌تا.
- ۱۲- بستانی، پطرس، ادباء العرب فی الاندلس و عصر الانبعاث، دارالجیل، بیروت - لبنان، ۱۹۸۸.
- ۱۳- طه حسین، من حدیث الشعر و النثر، دارالمعارف مصر، بی‌تا.
- ۱۴- ضیف، شوقی، الفن و مذاهبه فی الشعر العربی، دارالمعارف مصر، بی‌تا.